

کیمیسان

عبادت به معنای اظهار ذلت و بندگی، عالی‌ترین نوع تذلل و کرنش در برابر خدا است. در اهمیت عبادت، همین بس که آفرینش هستنی و بعثت پیامبران برای عبادت است. خداوند، در قرآن می‌فرماید: «هدف از آفرینش هستنی و جن و انس، فقط عبادت خداوند است.»^(۱)

کارنامه همه انبیا و رسالت آنها نیز دعوت مردم

به پرستش خداوند بوده است.

نقش عبادت در شخصیت و زندگی انسان

از آنجا که فطرت، پایه و اساس شخصیت انسان را تشکیل می‌دهد و شوکوفایی آن جز در مسیر عبادت ممکن نیست و آن یک نیاز اصیل فطری است، بنابراین عبادت زمینه‌ساز شخصیت انسان و رشد‌دهنده کمالات او است که البته عبادت با دو ویژگی «طاعت» و «خضوع و خشوع» مشخص می‌شود.

حقیقت این است که جنبه‌های عبادی و معنوی، موتور شخصیت انسان است و داشتن صفات عالی و روحیه قوی، اراده محکم،استقامت در برابر مشکلات و تسلط بر نفس در حالات مختلف، جز از طریق عبادت و ارتباط روحی و معنوی با کانون معنوی عالم؛ یعنی خدا امکان ندارد.

عبادت، قرار دادن همه ابعاد زندگی در مسیر خواست و رضای الهی است. این‌گونه رنگ خدایی زدن به کارها، تأثیر مهمی در زندگی انسان دارد

اهمیت نماز اول وقت

نماز از جمله مهم‌ترین و بارزترین عبادات است و بیش‌ترین سفارش انبیا نیز درباره نماز است. حضرت لقمان به فرزندش چنین سفارش کرد: «فرزندم نماز را بر پای دار.»^(۲)

رفتار اولیای خدا نیز اهمیت و جایگاه آن را بیان می‌کند. نماز جزء برنامه انبیا بوده است. حضرت عیسی(ع) در گپواره می‌گوید: «خداوند، مرا تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است.»^(۳)

امام حسین(ع) در روز عاشورا و در میدان نبرد و مبارزه و در برابر امواج تیرهای دشمن، نماز را ترک نراده. پیشوایان معصوم ما، هنگام نماز، رنگ از رخسارشان می‌برد و معتقد بودند وقت نماز و ادای امانت الهی است.^(۴) اگر حقیقتاً به اهمیت نماز اول وقت و موقعیت و فضیلت این فریضه پی ببریم و تأکید و توصیه قرآن و پیامبراکرم(ص) و اهل‌بیت(ع) را مورد دقت نظر قرار دهیم، هر گز به خود اجازه نمی‌دهیم که این فریضه الهی را به نحوی مورد اهانت قرار دهیم. یکی از موجبات سبک شمردن نماز، تأخیر بی‌مورد آن است که متأسفانه دعای از ما نمازگزاران از منبتلا هستیم. انجام نماز اول وقت، آن‌قدر سفارش شده که گویی واجب است. اولیای خدا، هر گز نماز اول وقت را بدون عذر به تأخیر نمی‌انداختند. در سخت‌ترین شرایط، امر واجب که نماز را در اول وقت اقامه کنند. هر چند این شرایط، شرایط جنگ بود.

دقت نظر امام به نماز خانواده

امام معتقد بودند که هیچ‌گاه نباید با سسختگیری‌های تلجایی خود، چهره امور عبادی را برای بچه‌ها زشت و سخت جلوه دهیم. باید مسائل را برای اطفال زیبا و آسان قلمداد کنیم. خود ایشان با رفتار و کردار درست و بجایشان، لزوم تکالیف را به بچه‌ها- به‌خصوص افرادی که به سن تکلیف رسیده‌اند- گوشزد می‌کردند و هیچ‌گاه با تند و اجبار، آنها را به انجام واجبات وادار و از انجام آنها دلسر نمی‌کردند.^(۵)

خاتم زهرا مصطفوی نقل می‌کند: حضرت امام سعی داشتند کلام حق را با ملاطفت و شیرینی قرین سازند. هر گز به عتاب متوسل نمی‌شدند و عبادت خدا را در نظر دیگران سنگین جلوه نمی‌دادند. همسرم به جهت عادت خانوادگی، دخترم را از خواب صبحگاهی بیدار می‌کرد و به نماز او می‌داشت. امام وقتی از این مشرین اسلام را به مذاق بچه تلخ نکن. این سخن



خاتم زهرا مصطفوی(دختر امام) می‌گوید: مهم‌ترین عمل امام، نماز ایشان بود. ایشان تا آخرین لحظه، حتی نافله‌های نماز را ترک نکردند. حتی وقتی که نمی‌توانستند لباسشان را تکان بدهند، با حرکت انگشت نماز می‌خواندند... برخی از پزشکان فکر می‌کردند ایشان چیزی می‌خواهند، ولی من گفتم که خبر، ایشان دارند نماز می‌خوانند. این اهمیت نماز بود و آخرین پیام امام نماز بود.

امام چنان تأثیری در روح و جان دخترم گذاشت که دخترم خودش سفارش می‌کرد که موقع اذان صدقه بموقع مرا بیدار کنید.^(۶)

روزه

در حدیث قدسی آمده است: «الصوم لی وأنا أجزی به»^(۷) روزه مال من است و من ششخصا به آن جزا می‌دهم. این خود از موارد برتری روزه بر دیگر عبادات است. چرا که روزه علاوه‌بر فواید روحی- روانی که دیگر عبادات هم دارا هستند، آثار خوب جسمی، اخلاقی، و خیر و برکات خاصی را به پی دارد و نیز فواید طبیی که باعث دفع مواد زاید بدن در اثر گرسنگی می‌شود.

روزه گرفتن، وقت مناسبی است برای تزکیه نفس و برخورداری از اخلاقی حسنه. لذا از جهت اخلاقی هم کمک بزرگ و مؤثری می‌کند. نفس روزه، جدای از اینکه در ماه مبارک رمضان باشد، خیر و برکات جاگانه‌ای دارد، از جمله اینکه صبر و شکیبایی افراد را افزایش می‌دهد؛ اما اگر در ماه مبارک رمضان باشد، خیر و برکاتش افزون می‌شود که از قبیل سحر خیزی، استفاده از مواهب سحر و استجابت دعا در این ماه و برکات و فوایدی که یک روزه‌دار در این ماه برایش وجود دارد؛ مثل اینکه تمام اعمالش عبادت محسوب می‌شود و محروم است کسی که از این همه خیر و برکت دنیوی و اخروی استفاده نکند.

امام، شخصیتی است که از خیرات و برکات سحرهای ماه مبارک و دیگر لحظاختش به خوبی استفاده می‌کرد. همان‌طور که در بحث نماز اشاره شد، دقت و اهمیت امام به این امور مهم، بسیار زیاد است. هر گز در مواقعی به دلیل بیماری، امکان روزه‌داری را نداشتند، اما از فرست‌ها و پادشاهایی که برای قدر غیر روزه‌دار در قبال کمک به دیگران دقت نظر کرده، غافل نبودند.

حجت‌الاسلام عبائی خراسانی می‌گوید: امام در ماه رمضان در هوای پناه جبهه نجف، با آن سن و سال و ضعف مغرط، روزی جیده ساعت روزه می‌گرفتند و تا نماز مغرب و عشا را همراه با نوافل، به جای نمی‌کردند. افطار نمی‌کردند.^(۸) «البته این مربوط به خود امام است و این قضیه جدای از نماز جماعت و افطار با جمع است. چرا که هیچ‌گاه دیگران را مطلق نمی‌کردند.

خاتم زهرا مصطفوی نقل می‌کند: غیر از شب‌های سه‌ه رمضان که قرار نبود کسی دیگر روزه بگیرد، ایشان هیچ‌کس را بیدار نمی‌کردند. خودشان مسافر را روشن می‌کردند و جای درست می‌کردند و معمولاً یک تخم‌مرغ، چای و نان می‌دادند.^(۹)

نوجه امام به مستحیات عبادات

امام نه‌تنها در مورد واجبات، بسیار حساس و دقیق بودند، بلکه راجع به مستحیات هم دقت زیادی می‌کردند و در تمامی اعمال و رفتار، چه عبادی و چه غیرعبادی، مستحیات و مکروهات را در رعایت آن مطلق نمی‌کردند.
خاتم زهرا مصطفوی نقل می‌کند: غیر از شب‌های سه‌ه رمضان که قرار نبود کسی دیگر روزه بگیرد، ایشان هیچ‌کس را بیدار نمی‌کردند. خودشان مسافر را روشن می‌کردند و جای درست می‌کردند و معمولاً یک تخم‌مرغ، چای و نان می‌دادند.^(۱۰)

نوجه امام به مستحیات نماز هم مقید به انجام تمامی آنها بودند. امام، در اواخر عمر نیز مانند دوران جوانی‌شان، عبادت می‌کرد؛ زمانی که در بیمارستان بودند یا وجودی که سرم به دست و پایشان وصل بود، بر روی تخت بیمارستان، حتی یکی از مستحیات را ترک نکردند؛ تعقیرات قرآن، عطر، طهر الحنك،^(۱۱)

شانه و تمامی مستحیات نماز را به‌جا می‌آوردند.^(۱۲)

آقای عیسی جعفری(خدمتکار امام) نقل می‌کند: من بارها شاهد بودم که امام پس از اینکه نماز واجباتشان تمام می‌شد، هر دو دست را به روی چشمانشان می‌گذاشتند و آیه الکسری و آیات دیگری را که در این رابطه وارد است، می‌خواندند.^(۱۳) حجت‌الاسلام سید حسن خمینی نقل می‌کند: یکی از مسائلی که به شد درد دوستان می‌خورد، آداب نماز ایشان بود؛ ایشان قبل از نماز مغرب قرآن می‌خواندند، بعد تجدید وضو می‌کردند و نماز می‌خواندند. بعد از نماز، بلافاصله سوره حمد می‌خواندند و بعد تسبیحات حضرت زهر(س) و دیگری نوافل را به‌جا می‌آوردند. برای هر نماز عطر می‌زدند و بعد از یک مکث که فضیلت نماز عشاء بشود، به اقامه نماز عشا می‌پرداختند.^(۱۴)

نماز شب

از دیگر مستحیاتی که امام(س) نسبت به آن بسیار مقید بودند، نماز شب بود. قبل از بیان

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

لحظه حاج احمد آقا نزدیک امام رفت و متوجه شد امام زیر لب ذکر «الله‌اکبر» را رزمه می‌کنند.^(۱۵) خاتم زهرا اشراقی می‌گوید: ساعت ۸ و نیم صبح، امام را عمل کردند و تا ساعت ۱۰ و نیم عمل ایشان به طول انجامید. بعد از عمل که آن را در تلویزیون مدرستۀ نظرگاه بودیم؛ گزارش سلامتی و خوببودن حال امام را که به ما دادند، به منزل رفتیم. عصر هم برای ملاقات رفیقتم که اجازه داده نشد. فردا صبح ساعت ۹ که به دیدن امام رفیقتم، امام پس از سلام و علیک، ما جواب احوالپرسی‌های ما را با «شکر، شکر» پاسخ می‌دادند. قرار شد ساعت یک بعد از ظهر برایشان غذا ببریم، اما وقتی به بیمارستان رفیقتم، دیدیم که درها باز است و پزشکان در رفت و آمدند؛ دایجان(حاج احمد آقا) لشک در چشمانشان جاری بود و گوشه‌ای نشسته بودند، معلوم بود که کاری از هیچ‌کس ساخته نیست. دست امام لرزش داشت. دستم امام را گرفتم. دیگر نمی‌توانستم دستشان را رها کنم. هرچه دست ایشان را می‌بوسیدم سیر می‌شد، در حالی که من می‌شدم و ایستاده آن را رهبر معظم انقلاب می‌فرایند: یکبار از امام سؤال کردم که در میان دعاهای معروف به کدام یک از آنها بیشتر انس یا اعتقاد دارید، ایشان بعد از تأملی فرمودند: دعای کمیل و مناجات شعبانیه.^(۱۶)

رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: یک بار از امام سؤال کردم که در میان دعاهای معروف به کدام یک از آنها بیشتر انس یا اعتقاد دارید، ایشان بعد از تأملی فرمودند: دعای کمیل و مناجات شعبانیه

به زیارت عاشورا و جامعه کبیره و امین‌الله داشتند.^(۱۷) حجت‌الاسلام سیدعلی غیوری می‌گوید: در یکی از جلسات خصوصی که به محضرشان شریف‌اش شدم، صحبت از دعا شد، از مجموع فرمایشات ایشان، بنده علم پیدا کردم که سال‌هایتمادی زیارت عاشورای ایشان ترک نشده و همچنین چندین سالی که عراق بودند، زیارت امیرالمؤمنین(ع) را هر شب ساعتی معین، انجام می‌دادند و بسیار کم اتفاق افتاد که شبی را ترک کنند.^(۱۸)

حجت‌الاسلام رسولی محلاتی می‌گوید: امام اوقاتیکه زیارت عاشوروا می‌خواندند، صدعلن و صد سلام را بعد حمد قرآن در حال خم شدن می‌خواندند. زیارت عاشورا را در ماه محرم و معمولاً یک اربعین(چهل روز) می‌خواندند.^(۱۹) در آیت و روایات اهمیت زیادی به مسئله دعا داده شده است. ولی ممکن است قبول این امر برای بعضی در ابتدا سنگین باشد که دعاکردن کار بسیار آسانی است و از همه‌کس ساخته است و با قدم را از این‌لی فراتر نهند و بگویند: دعا کار افراد پیچازه است. ولی اشتباه از این‌جا ناشی می‌شود که دعا را خالی و عاری از شرایطی می‌گیرند، در حالی که اگر شرایط خاص دعا در نظر گرفته شود، این حقیقت به وضوح ثابت می‌شود که دعا وسیله مؤثری است برای خودسازی و پیوند نزدیکی است میان انسان و خدا.

روایتی از پیامبراکرم(ص) می‌خوانیم: «لِدَعَاِ سَالِحِ الْمُؤْمِنِ وَعَمَدِ الدِّينِ وَ نُورِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»^(۲۰) دعا اسلحه مؤمن است و ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است. این اهمیت و تقید به دعا را در زندگی امام(س) می‌توان به وضوح دید. آیت‌الله آملی کاشانی می‌گوید: از جمله مواردی که امام در درس اخلاقشان به آن توجه و تأکید زیاد داشتند، مسئله تقید بطلب به خواندن دعاها و زیارت عاشورا بود. خود امام به مناجات با خدا خیلی علاقه داشتند و می‌شود گفت به آن عشق می‌ورزیدند و شاید به‌توان گفت امام تمام دعاهای مفتاحی را می‌خواندند.^(۲۱)

خاتم زهرا اشراقی نقل می‌کند: در نمازی که امام در آخر خوانده بودند و دوربین‌های مخفی پزشکان آن را ضبط کردند؛ امام گریه می‌کردند و زار می‌زدند و می‌گفتند: خدایا مرا ببذیر، خدایا مرا ببذیر... آن شب، کسانی که پشت دوربین بودند نیز ناظر این صحنه بودند.^(۲۲)

آقای عقیقه(راخوان امام) می‌گوید: امام تقید خاصی به خواندن دعای عهد به مدت چهل روز؛ حتی در ایام بیماری داشتند. وقتی کسی از رحلت، اطلاع‌ی ایشان از جمله مقاماتشان را به بیت منتقل می‌کردیم، متوجه شدیم که در گوشه صفحه، نامه‌ای را به عنوان دعا مرقوم فرموده‌اند.^(۲۳)

۱- نیمه نیمه اشراقی می‌گوید: خویشاوندان ایشان... می‌گفتند: از پانزده سالگی ایشان، که ما در خمین بودیم، آقا یک چراغ موشی کوچک می‌گرفتند و می‌رفتند به یک قسمت دیگر که هیچ‌کس بیدار نبود و نماز شب می‌خواندند. خاتم می‌گوید: تا حالا نشده که من از نماز شب ایشان بیدار شوم. چون چراغ را مطلقاً روشن نمی‌کردند... نه چراغ راهور و نه حتی چراغ دستشویی را... هنگام وضوی نماز شب یک ابر زیر شیر می‌گذاشتند که آب چکه نکند و صدای آن، کسی را بیدار نکند.^(۲۴)

در مواقع عادی، برنامه ایشان از ساعت دو الی چهار به عبادت اختصاص داشت و اما در مواقع بیماری، یک ساعت قبل از نماز بیدار می‌شدند.^(۲۵)

۲- آیت‌الله سیدمحمدحسن خراسی می‌گوید: از آقا سید مصطفی خمینی شنیدم که فرمودند: دیدم امام در اتاق خود نشسته‌اند و صدای گریه‌شان بلند است، به مادر علم را پرسیدم. مادرم فرمودند: ایشان در شبی که موفق به نماز شب و راز و نیاز نشود، روز چنین حالی دارد.^(۲۶)

امام خمینی(س)، همیشه در حال ذکرگفتن بودند؛ حتی زمانی که رادیو گوش می‌کردند، ورزش می‌کردند، یا تلویزیون تماشا می‌کردند

ذکرگفتن ایشان قطع نمی‌شد؛ بلکه ذکر در برنامه منظم روزانه امام از جایگاه خاصی برخوردار بود.

حجت‌الاسلام والمسلمین مسیح بروجردی(نوه اسام) نقل می‌کند که شب‌ها که امام تصمیم می‌گرفتند بخوابند، چراغ را خاموش می‌کردند و بسپه‌الله می‌گفتند و افکار مربوطه قبل خواب را می‌خواندند.^(۲۷) خاتم فاطمه طباطبایی(عروس امام) به نقل از خاتم فاطمه طباطبایی می‌گوید: یکی از مسائلی که حضرت امام در روزهای آخر به من توصیه کردند، خواندن دعای عهد بود که در آخر مفتاح آمده است. می‌گفتند: «صبح‌ها سعی کن این دعا را بخوانی. چون در سرتون دخالت دارد.» اما چیزی که به خانواده بیشتر توصیه می‌کردند تا اول از همه به آن عمل کنند، انجام واجبات و ترک محرمات بود.^(۲۸) آیت‌الله مؤمن(عضو سابق قوهایی شورای نگهبان) می‌گوید: وقت، فضیلت ایشان می‌فرمودند که یک سخنرانی که به عنوان موعظه در نجف داشتند، سفارش می‌کردند: «شما این زیارت‌رعبیه را بخوانید... چون در زیارت فرموده‌ایم مقامات را بر جای خدا ذکر کرده است که «لا فَرَقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ إِلَّا اِنْهَمَ عِبَادُك» می‌فرماید: «صبح فرقی بین تو (خدا) و بین این‌ها نیست، غیر از اینکه این‌ها بنده تواند که امام روی این مسئله تأکید داشتند که می‌فرمودند: «فقط همین عید بودن این‌هاست که فارق بین این‌ها و خداست و الا تمام آن نیروهای الهی در دست این‌ها هست. بعد ایشان می‌فرمودند: «این زیارت را بخوانید تا اگر چیزی از مقامات اولیای خدا برایتان نقل کردند، احتیاطش را اقلاً بدهید، تذکبد نکند.»^(۲۹)

حجت‌الاسلام علی‌اکبر آشتیانی می‌گوید: پس از اتمام عمل جراحی، در حالی که امام را روی تخت متحرک بیمارستان از اتاق عمل خارج می‌کردند، همه حاضران متوجه حرکت لبهای ایشان شدند، در این

مناجات شعبانیه می‌شدند. من شاهد بودم چگونه امام این دعاها را می‌خواند و به درگاه خدا می‌گفت. ایشان محرابی بودند که خواندن مناجات شعبانیه بودند و در این مناجات بفقیری گریه می‌کردند که من با صدای گریه ایشان از خواب بیدار می‌شدم. با اینکه بسیار آرام و اهسته، اعمال شب را انجام می‌دادند تا کسی بیدار نشود.^(۳۰)

حجت‌الاسلام والمسلمین سید مرتضی موسوی اردبیلی ابرکوهی نقل می‌کند: امام در هنگام عبادت، مانند کسانی بودند که نه اهل علمند و نه اهل سیاست و هیچ کاری غیر از عبادت نداشتند. ایشان چنان به هیچ کار دیگری نازده، مثلاً: در دعای عرفه که به حرم سیدالشهدا مشرف می‌شدند، با وجود سن زیاد، این دعا را که دو تا سه ساعت طول می‌کشید به حالت ایستاده و رو به قبله می‌خواندند و به این صورت ما را که جوان بودیم و نشسته دعا را می‌خواندیم، شرمندۀ می‌کردند. به همین دلیل، در هنگام خواندن این دعا، ما هم از جای خود بلند می‌شدیم و ایستاده آن را می‌خواندیم.^(۳۱)

رهبر معظم انقلاب می‌فرایند: یکبار از امام سؤال کردم که در میان دعاهای معروف به کدام یک از آنها بیشتر انس یا اعتقاد دارید، ایشان بعد از تأملی فرمودند: دعای کمیل و مناجات شعبانیه.^(۳۲)

یکی از راهای برگزداشت مفاخر و صاحبان کمال، زیارت آنان است که در حقیقت موجب بقا و استمرار حیات علمی، هنری و معنوی آنان می‌شود. افزون بر اینکه عامل پیوند نسل حاضر و نسل‌های آینده با نسل‌های گذشته و وسیله ارتباط روحی با آنان و کمالاتشان است.^(۳۳) آنچه از سیره امام برداشت می‌شود، از میان زیارات ماثوره، امام(س)، نظر خاصی

صفحه ۷

شنبه ۱۳ خرداد ۱۴۰۴

۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۸۷۴

امام وقتی در نجف بودند، در ماه مبارک رمضان هر سه روز، یک‌بار قرآن را ختم می‌کردند. امسا زمانی که در جماران بودند به خاطر کوهلوت سسن، هر ده روز یک بار قرآن را ختم می‌کردند. ایشان همواره با قرآن مأنوس بودند. یک جزء قرآن را هشت قسمت کرده و هر قسمت را در زمانی خاص قرائت می‌کردند. گاهی می‌دیدم مدت‌ها در یک جمله قرآن مکث می‌کردند.

گاهی می‌دیدم مدت‌ها در یک جمله قرآن مکث می‌کردند.^(۳۴) حضرت امام نظمشان اجازه نمی‌داد که هر وقت که بخواهد، قرآن بخوانند؛ بلکه ایشان دقیقاً و سر ساعت روزی هفت مرتبه قرآن می‌خواندند.^(۳۵) خاتم فاطمه طباطبایی می‌گوید: نجف که بودیم، آقا مصطفی ناراحت شده بود. دکتر آمد و وشم ایشان را دید و گفت: شما چند روز قرآن نخوانید و استراحت کنید. امام یک دفعه خندیدند و گفتند: دکتر من چشم را برای قرآن خواندن می‌خواهم، چه فایده‌ای دارد اگر چشم داشته باشم و قرآن نخوانم. شما یک کاری بکنید که من بتوانم قرآن بخوانم.^(۳۶) حجت‌الاسلام آشتیانی می‌گوید: وقتی مرحوم آقا مصطفی رحلت کرده بودند، قرار شد جمعی به اتفاق حاج احمد آقا به محضر امام برسند و به صورت تدریجی خبر را به امام برسانند. یکی گفت: از حاج آقا مصطفی تازه از بیمارستان می‌خبر؟ آقای میرزا حبیب‌الله ارآکی گفت: این‌ا ز بیمارستان تلغن کردند که ایشان را مثل اینکه باید زودتر به بغداد برسانند. احمد آقا جلوی صدای گریه‌اش را نتوانست بگیرد ولی رویش را برگرداند که آقا او را نبینند. ولی امام صورتش را برگرداند و گفت: «حمد چنته» مگر حاج آقا مصطفی مرده؟ اهل آسمان‌ها می‌میرند و از اهل زمین کسی باقی نمی‌ماند، همه می‌میرم. آقایان بفرمایید سر کارتان.» خودشان هم بلند شدند و وضو گرفتند و مشغول خواندن قرآن شدند.^(۳۷)

حجت‌الاسلام والمسلمین آشتیانی می‌گوید: امام قبل از فرا رسیدن وقت هر نماز، به طور معمول قرآن تلاوت می‌کردند.^(۳۸) دکتر احمد نور بالا؛ مسئول مرکز درمانی جماران می‌گوید: من، در این مدت، شاهد بودم که حضرت امام(ره) روزی یک جزء قرآن را تلاوت می‌کردند که معمولاً در چهار نوبت و در چهار حزب قرائت می‌فرمودند که اکثرا یک حزب آن پس از نماز شب و قبل از ادای نماز صبح، یک حزب بعد از نماز صبح، یک حزب قبل از نماز ظهر و یک حزب قبل از نماز مغرب بود.^(۳۹)

حجت‌الاسلام والمسلمین رسولی محلاتی می‌گوید: امام هر روز مقید بودند چند صفحه قرآن، حدود یک حزب یا بیشتر حتماً بخوانند. حتی روزهای آخر و شنب قبل از عمل جراحی هم قرائت قرآن و نماز شب ایشان ترک نکردند.^(۴۰) حاج احمد آقاس(س) می‌گوید: عبادت و ارتباط با خدا، چیزی نیست که بتوانم ترسیم کنم، تا آنجا که محضرشان شریف‌اش شدم، صحبت از دعا شد، از مجموع فرمایشات ایشان، بنده علم پیدا کردم که سال‌هایتمادی زیارت عاشورای ایشان ترک نشده و همچنین چندین سالی که عراق بودند، زیارت امیرالمؤمنین(ع) را هر شب ساعتی معین، انجام می‌دادند و بسیار کم اتفاق افتاد که شبی را ترک کنند.^(۴۱)

حجت‌الاسلام رسولی محلاتی می‌گوید: امام اوقاتیکه زیارت عاشوروا می‌خواندند، صدعلن و صد سلام را بعد حمد قرآن در حال خم شدن می‌خواندند. زیارت عاشورا را در ماه محرم و معمولاً یک اربعین(چهل روز) می‌خواندند.^(۴۲) در آیت و روایات اهمیت زیادی به مسئله دعا داده شده است. ولی ممکن است قبول این امر برای بعضی در ابتدا سنگین باشد که دعاکردن کار بسیار آسانی است و از همه‌کس ساخته است و با قدم را از این‌لی فراتر نهند و بگویند: دعا کار افراد پیچازه است. ولی اشتباه از این‌جا ناشی می‌شود که دعا را خالی و عاری از شرایطی می‌گیرند، در حالی که اگر شرایط خاص دعا در نظر گرفته شود، این حقیقت به وضوح ثابت می‌شود که دعا وسیله مؤثری است برای خودسازی و پیوند نزدیکی است میان انسان و خدا.

روایتی از پیامبراکرم(ص) می‌خوانیم: «لِدَعَاِ سَالِحِ الْمُؤْمِنِ وَعَمَدِ الدِّينِ وَ نُورِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»^(۴۳) دعا اسلحه مؤمن است و ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است. این اهمیت و تقید به دعا را در زندگی امام(س) می‌توان به وضوح دید. آیت‌الله آملی کاشانی می‌گوید: از جمله مواردی که امام در درس اخلاقشان به آن توجه و تأکید زیاد داشتند، مسئله تقید بطلب به خواندن دعاها و زیارت عاشورا بود. خود امام به مناجات با خدا خیلی علاقه داشتند و می‌شود گفت به آن عشق می‌ورزیدند و شاید به‌توان گفت امام تمام دعاهای مفتاحی را می‌خواندند.^(۴۴)

حجت‌الاسلام والمسلمین سید مرتضی موسوی اردبیلی ابرکوهی نقل می‌کند: امام در هنگام عبادت، مانند کسانی بودند که نه اهل علمند و نه اهل سیاست و هیچ کاری غیر از عبادت نداشتند. ایشان چنان به عبادت مشغول و از امور دیگر فارغ می‌شدند که گویی هیچ کار دیگری ندارد؛ مثلاً در دعای عرفه که به حرم سیدالشهدا مشرف می‌شدند، با وجود سن زیاد، این دعا را که دو تا سه ساعت طول می‌کشید به حالت ایستاده و رو به قبله می‌خواندند و به این صورت ما را که جوان بودیم و نشسته دعا را می‌خواندیم، شرمندۀ می‌کردند. به همین دلیل، در هنگام خواندن این دعا ما هم از جای خود بلند می‌شدیم و ایستاده آن را می‌خواندیم.

ایشان می‌فرمایند: ما مفتخریم که ادعیه حیات‌بخش که او را قرآن صاعد می‌خوانند، از انمه معصومین ما است. ما به مناجات شعبانیه امامان و دعای عرفات حسین بن علی- علیهما السلام- و صدقه سراج، این رسوالمحمد و صدقه فاطمهکه به کتاب الهام‌شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است، ما می‌است.^(۴۵) امام در جای دیگری از وصیت‌نامه می‌فرمایند: من اکنون به ملت‌های شریف مستعبدۀ و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که... از نماز جمعه و جماعت که بیانگر تبعه سیاسی من است، به هرگز غفلت نکنند... و از آن جمله مراسم عزاداری المصطفیاهر پیروزه؛ سید مظلومان و سرور شهیدان؛ حضرت ابی عبدالله الحسین، صلوات‌واقر والهی و انبیا و ملائکةالله و صلحا، بر روح بزرگ حماسی او باد، هیچ‌گاه غفلت نکنند و بداند آنچه دستور افع(ع) برای بزرگ‌نشینان این حسانه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل‌بیت است، تمام فریاد فرمانه‌ها ملتها را در آن شب که به فرزند امام- حاج آقا مصطفی- امام در آن ترکش به پشت‌بام رفتند و رو به حرم ایستاده و زیارت خواندند.^(۴۶)

تخلیل امام از نماز که اوج عبادت و معراج مؤمن است، علاوه‌بر جنبه عبادی، متوجه بدع سیاسی آن نیز هست و آن به جماعت برگزار شدن آن است که نشانگر قدرت و وحدت و روحیه اجتماعی مسلمین است. همچنین در عزاداری امام حسین(ع) که سازنده روح انسان و تقویت‌بخش دین و به وجود آورنده روحیه شهادت‌طلبی در انسان است، یک جهت سیاسی مهم که لعن و نفرین بر ستمگران طول تاریخ است، نیز گوشزد می‌شود. این بینش جامع امام بود که اسلام را در جهات مختلف مطرح می‌کرد.^(۴۷)

انس یا قرآن

یکی دیگر از ویژگی‌ها و رفتارهای مثال‌زدنی امام که به صورت الگویی برای همکاران آمده است، انس بیش از حد امام با قرآن بوده و به طور یقین می‌توان گفت: قرآن، نه در لفظ؛ بلکه عملاً کتاب زندگی برای امام بوده است. امام در اوایل عمر تا پایان حیات مادی خود، هر روز مقداری قرآن می‌خواندند و از یکی از کارهای روزانه ایشان بوده است. ایشان به واسطه همان نظم دقیقیه که در زندگی داشتند، ساعتی را نیز برای تلاوت و انس با قرآن اختصاص می‌دادند، به طوری که در آن ساعت، کسی نزد ایشان نمی‌رفت و ایشان هم با یک سؤال سوال کسی نبود و تنها جان و دل به قرآن بسپرده بود و توجه به آیات قرآن و دریافت معانی آن را اصل از دانستن.^(۴۸)

نونه‌های از انس حضرت امام با قرآن

امام وقتی در نجف بودند، در ماه مبارک رمضان هر سه روز، یکبار قرآن را ختم می‌کردند. اما زمانی که در جماران بودند، به خاطر کوهلوت سسن، هر ده روز یکبار قرآن را ختم می‌کردند. ایشان همواره با قرآن مأنوس بودند، یک جزء قرآن را هشت قسمت کرده و هر قسمت را در زمانی خاص قرائت می‌کردند.

از: پرتال جامع امام خمینی(ره)